

اناجیل رسمی و زنان با نقش رسولانه: مطالعه موردی

مریم‌السادات سیاهپوش^۱، طاهره حاج ابراهیمی^{۲*}، لیلا هوشنگی^۳

چکیده

در مطالعات معاصر، در بحث از نقش زنان در جوامع دینی و تأثیر دین بر چگونگی حضور اجتماعی زنان، دیدگاه‌های مختلفی را می‌توان سراغ گرفت. برخی پژوهش‌گران دین را به‌منزله ابزاری جهت سرکوبی زنان دانسته‌اند و در مقابل برخی دیگر با لحاظ جمعیت درخور توجه زنان مؤمن، دین را به نوعی عامل احیای جایگاه زنان به شمار آورده‌اند. در رویکرد فمینیستی، با به‌کارگیری روش‌های مطالعاتی نوین به بازخوانی، فهم و تحلیل متون مقدس دینی، به‌ویژه متون مسیحی، پرداخته شده تا تأثیر دین بر جایگاه زنان در پرتو نگاهی نو واکاوی شود. در این پژوهش، کوشش شده نخست به بحث درباره نقش رسولانه‌ای پرداخته شود که زنان همراه با عیسی مسیح در عهد جدید برعهده داشته‌اند. سپس بر آنیم با بررسی گزارش اناجیل چهارگانه درباره مریم اهل بیت‌عنیا و مریم مجدلیه، که در سفرها با عیسی همراهی می‌کردند و در عرصه‌های دینی مختلف، چه عملی و چه نظری، در فعالیت‌های گوناگون اجتماعی نقش پویایی برعهده داشته‌اند، در مقام الگویی برای حضور زنان مؤمن به یافته‌های مبتنی بر رویکرد زنانه‌نگر دست یابیم. همچنین، در این پژوهش کوشش می‌شود که به شیوه توصیفی-تحلیلی به بررسی مؤلفه‌های ایمان زنانه پرداخته شود.

کلیدواژگان

اناجیل، فمینیسم، ایمان زنانه، مریم اهل بیت‌عنیا، مریم مجدلیه.

۱. دانشجوی دکتری رشته ادیان و عرفان، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
maryam.siahpoosh.1371@gmail.com
 ۲. دانشیار گروه ادیان و عرفان، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
thajebrahimi@yahoo.com
 ۳. دانشیار گروه ادیان و عرفان، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران
lhoosh@alzahra.ac.ir
- تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۹

مقدمه

کتاب مقدس، در مقام مهم‌ترین سند، دربردارنده هسته اصلی ایمان و اعتقاد مسیحیان به شمار می‌آید. از این رو، پژوهش‌گران مسیحیت پژوه برای تبیین دیدگاه‌های خود باید در گام نخست به آن رجوع کنند. این دست از پژوهش‌گران کتاب مقدس را سندی زنده می‌انگارند که برای بررسی آن ضروری است فراتر از رویکرد متنی رفت و آن را به‌مثابه تجربه دینی زیست‌شده تلقی کرد. با این نگرش است که متفکران فمینیست کتاب مقدس را بازخوانی و شروع به واکاوی نقش زنان در آن کرده‌اند. به‌ویژه، آن‌ها عهد جدید را برای جامعه مسیحی همچون الگوی زندگی اجتماعی در نظر گرفته و سعی در روشن کردن جوانب مختلف حضور زنان در این متن داشته‌اند.

با نگاهی کلی به عهد جدید، مخاطب با این واقعیت مواجه می‌شود که مردان نقش اصلی را در تدوین آن برعهده داشته‌اند. دلیل این امر را فقط می‌توان در یک مورد خلاصه کرد؛ جامعه دینی مردسالار. عیسی در جامعه‌ای متولد شد و رشد یافت که گرچه یهودی بود، تحت تأثیر یونانی‌مآبی قرار گرفته و نگرش منفی به بدن بشر داشت که این امر بیشتر متوجه زنان بود [۴]، ص ۳۷]. از این رو، زنان نه تنها نقش فعالی در کتاب نداشتند، بلکه اصولاً در امور فکری نادیده گرفته می‌شدند و به این جهت طبیعی است که اثری از زنان در نگارش عهد جدید نیز نمایان نباشد. متفکران فمینیست در بررسی‌های خود دریافته‌اند که این قبیل مطالعات مردمحور هنجارهای انسانیت را در متن نادیده می‌گیرد و با استفاده از واژه «مرد» از تجربه‌های زنانه غافل می‌ماند. به این نحو، شاید نه به دلیل دشمنی، بلکه از روی بی‌توجهی به حضور زنان، تجارب مردانه را عمومیت بخشیدند [۵]، ص ۳۹۲-۳۹۳]. با این حال، نکته حائز اهمیت از نگاه متفکران فمینیست آن است که عیسی تلاش درخور توجهی برای بهبود وضعیت زنان در این جامعه انجام داده است. بنابراین، کوششی برای بررسی دقیق جایگاه زنانی که در کنار عیسی مسیح جهت تبشیر، بنابر گزارش عهد جدید، نقش فعالی داشته‌اند، آغاز شد. روایات اناجیل، در کنار رسولان مردی که عیسی را همراهی می‌کرده‌اند، از زنانی نام برده است که همپای آن‌ها با ایمانی که به عیسی داشته‌اند مشغول خدمت بودند. در میان این زنان، دو شخصیت به نام‌های مریم اهل بیت‌عنیا^۱ و مریم مجدلیه^۲ نقشی برجسته ایفا کرده‌اند؛ به طوری که می‌توان آن‌ها را به‌مثابه الگویی مناسب برای زنان مؤمن مسیحی یافت. مریم اهل بیت‌عنیا همچون نماینده‌ای برای زنانی که مشتاق فعالیت در حوزه‌های فکری هستند و مریم مجدلیه به‌مانند سرمشقی

۱. بیت‌عنیا شهری در نزدیکی اورشلیم بوده است که امروزه آن را العزیریه می‌خوانند.

۲. شهر مجدل یا مجدله، واقع در ساحل غربی دریای جلیل و در شمال طبریه بوده است که امروزه آن را میگدال می‌خوانند.

برای ایمان وفادارانه و صمیمانه برای زنانی که مایل به مشارکت در امور دینی هستند، در روایات اناجیل ظاهر شده‌اند.

پیش از پرداختن به مباحث اصلی، ضروری است که نگرش جامعه‌شناختی درخصوص ایمان زنانه مطرح شود تا به این وسیله، میزان اهمیت و کاربرد چنین پژوهشی نمایان شود. یافته‌های اخیر در مطالعات جامعه‌شناختی پیرامون دین نشان می‌دهند که زنان در همهٔ سنین نسبت به مردان بیشترین میزان دین‌داری را از خود بروز داده و نگرش مثبت‌تری به دین داشته‌اند. از این‌رو، تمایل بیشتری برای حضور و مشارکت در فعالیت‌های دینی دارند. افزون بر این، رادنی استارک، جامعه‌شناس دین، در تحقیقان خود این موضوع را بررسی کرده که زنان در طول تاریخ در تلاش بوده‌اند نقش‌های مهمی را در حوزهٔ دین ایفا کنند [۳، ص ۵۶۰ و ۵۷۴]. به همین دلیل، توجه به تجربیات زنانه در دین بسیار حائز اهمیت است. اهمیت این موضوع با توجه به محیط اجتماعی- فرهنگی آن‌ها تا حدی زیاد است که پژوهش‌گران برای بررسی هرچه دقیق‌تر این تجربیات، از دانش قوم‌نگاری^۱ بهره می‌برند. در این حیطه، کوشش می‌شود در کنار مطالعهٔ متون مقدس، نمونه‌های زنده نیز بررسی شوند. به این ترتیب، صدای زنان از هر قومی، با شرایط اجتماعی- فرهنگی متفاوت شنیده می‌شود و در تحلیل‌های فمینیستی از کتاب مقدس مد نظر قرار می‌گیرد. در چنین حیطهٔ پژوهشی، می‌توان به این نتیجه دست یافت که باید فضاهای متنوع‌تری را برای عملکردهای مذهبی زنان در زمینهٔ توانمندسازی، پرورش استعداد و قدرت داشتن در مقام‌های خاص پیدا کند [۱۱، ص ۵۱]. از این‌رو، می‌توان با در نظر گرفتن تجارب مختلف و استفاده از فمینیسم دینی جایگاه زنان را بیش از پیش در جامعهٔ دینی بهبود بخشید.

درخصوص پیشینهٔ مطالعات فمینیستی باید اشاره کرد که معمولاً پیدایش الهیات فمینیستی را به انتشار مقالهٔ «موقعیت انسانی: یک دیدگاه زنانه»^۲ از والری سای‌وینگ^۳ در سال ۱۹۶۰ مربوط می‌دانند، زیرا انتقادهای او به الهیات سنتی مردانه به فرض بنیادین الهیات فمینیستی منجر شد. این انتقاد مبنی بر این نگرش بود که هویت جنسی نویسنده، مفسر و متفکر بر حوزهٔ مطالعات الهیاتی و دینی تأثیر گذاشته است [۵، ص ۳۹۲]. پس از این برداشتن نخستین گام، متفکران فمینیست تاریخ را از منظر دیگر و با محور زنانه مورد توجه قرار دادند و برای شکستن سکوتی که سالیان سال بر تجربیات زنان مؤمن سایه افکنده بود اقدام کردند. در میان پژوهش‌گران نامدار این حیطهٔ پژوهشی، که آثار گرانبهایی به جامعهٔ علمی عرضه داشته‌اند، می‌توان به اورسلا کینگ^۴، الیزابت فیورنزا^۵، ریتا گراس^۱ و رزماری روتر^۲ اشاره کرد.

1. ethnography
2. The Human Situation: A Feminist View
3. Valery Satving
4. Ursula King
5. Elisabeth Fiorenza

در پژوهش پیش رو، فرضیه اصلی آن است که برخی زنان همراه عیسی مسیح، به ویژه مریم اهل بیت‌عنیا و مریم مجدلیه، را می‌توان به دلیل عملکردشان در زمره رسولان به شمار آورد. از این رو، سعی بر آن است که به این پرسش‌ها پاسخ داده شود؛ اساساً رسولان چه نقشی برعهده داشته‌اند و آیا امکان اطلاق این عنوان بر زنان وجود دارد؟ مریم اهل بیت‌عنیا و مریم مجدلیه چه جایگاهی در عهد جدید داشتند و در مقام یک زن مؤمن، چگونه ایمان خود را ابراز می‌کردند؟ به این دلیل، ابتدا به بحث درباره امکان کاربرد دو اصطلاح رسول و شاگرد بر این زنان پرداخته شده و پس از واکاوی چگونگی حضور این زنان در روایات اناجیل، دو شخصیت مهم زن، یعنی مریم اهل بیت‌عنیا و مریم مجدلیه، مورد مطالعه قرار می‌گیرند. همچنین، این پژوهش بر آن است تا نشان دهد چگونه این زنان می‌توانند نقش الگویی برای مؤمنان جامعه مسیحی فراهم آورند.

رسولان زن

هنگام مطالعه اناجیل، یاران عیسی که او را همراهی می‌کنند با دو اصطلاح شاگرد^۳ و رسول^۴ معرفی می‌شوند. در برخی از این فقرات، تأکید می‌شود که این شاگردان و رسولان متشکل از دوازده مرد هستند.^۵ بنابراین، ضروری است که پیش از پرداختن به موضوع جایگاه زنان در مقام رسول، نخست دو اصطلاح شاگرد و رسول با توجه به کتاب مقدس مورد بحث قرار گیرند. اغلب این دو اصطلاح حتی از سوی پژوهش‌گران نیز خلط می‌شوند؛ مثلاً براون^۶ نقش شاگردی را تا حدی عمومیت می‌بخشد که همه مسیحیان را دربر می‌گیرد [۱۴، ص ۴۳۰]. با این حال، به نظر می‌رسد تفاوتی میان این دو اصطلاح وجود داشته باشد. وتوماس منسون^۷، پژوهش‌گر مطرح کتاب مقدس، این موضوع را به دقت بررسی کرده است. او پس از مطالعه در این باره، به این نتیجه رسید که فقرات مربوط به یاران عیسی، که او را همراهی می‌کنند، بیانگر دو حالت است: یکی تشکیل حلقه‌ای صمیمانه از یاران و دیگری ایجاد یک هیئت تبلیغی برای رساندن بشارت عیسی مسیح به دیگران. به نظر می‌رسد که عیسی از اصطلاح شاگرد برای یاران نزدیک استفاده می‌کرده است و اصطلاح رسول بیشتر ناظر بر مورد دوم است. از این رو، در کلیسای اولیه اصطلاح رسول هم به این جماعت دوازده نفره و هم به افرادی که مشغول امر تبلیغ بودند اطلاق می‌شد [۱۲، ص ۲۳۷-۲۴۱].

1. Rita Gross
2. Rosemary Ruether
3. disciple
4. apostle

۵. برای مثال، بنگرید به لوقا، ۶: ۱۲-۱۶.

6. Brown
7. Thomas Manson

معمولاً نقش زنان به دلیل سنت مردسالارانه در میان رسولان نادیده انگاشته شده است. این امر می‌تواند از آن رو باشد که ضمن اعلام دوازده مرد به‌عنوان شاگرد یا رسول، برخی فقرات اناجیل بر حضور نداشتن زنان در میان رسولان دلالت دارند یا ایشان را جدای از رسولان معرفی می‌کنند. به هر روی، گویا نویسندگان اناجیل از اینکه عنوانی رسمی به این زنان بدهند پرهیز می‌کرده‌اند. اما اگر به تفکیک توماس منسون در باب دو اصطلاح شاگرد و رسول توجه شود، می‌توان زنان را در زمره رسولان تلقی کرد که گرچه از یاران نزدیک عیسی نبوده‌اند، به بشارت پیام عیسی می‌پرداختند. همان‌گونه که پولس نیز در شمار این دوازده نفر نبوده است، اما از رسولان مهم سنت کلیسایی شناخته می‌شود. کوین گلیز^۱ در پژوهش خود درباره اصطلاح رسول به نکته مهمی اشاره می‌کند. او بر این باور است که مفهوم رسول بودن^۲ پس از پولس به نحوی بار معنایی عام‌تری به خود گرفت، زیرا گرچه در اناجیل و اعمال رسولان به طور مکرر بر دوازده رسول تأکید می‌شود، پولس در نامه‌هایش خود را قاطعانه رسول می‌داند. با اینکه پولس بر حلقه دوازده‌نفره شاگردان مخصوص صحه می‌گذارد،^۳ با اطمینان افراد بیشتری را خارج از این حلقه به‌عنوان رسول معرفی می‌کند [۱۰، ص ۲۴۶-۲۴۷]. همچنین، در مطالعات اخیر پژوهش‌گران اشاره داشته‌اند که جونی در رساله پولس به رومیان، از نظر پولس نقش رسولانه داشته است و این امر بیانگر آن است که پولس زنان را به‌عنوان رسول به رسمیت می‌شناخته است [۱۷، ص ۴۴]. بنابراین، اگرچه شاید نتوان زنان را براساس متن موجود از عهد جدید در زمره حلقه دوازده‌نفره شاگردان نزدیک به حساب آورد، با در نظر گرفتن مفهوم عام‌تر رسول، امکان تلقی زنان در مقام رسول وجود دارد. اکنون با در نظر داشتن این نکته می‌توان جایگاه زنانی را که همراه عیسی مسیح بوده‌اند از منظر فمینیستی بررسی کرد.

ایجاد نقشی پویا در جامعه دینی برای زنان

در اناجیل از زنانی صحبت شده است که عیسی را در سفرهایش همراهی می‌کرده‌اند و تا پایان با او بوده‌اند؛ تا جایی که واقعه عروج عیسی را به طور واضح مشاهده کردند. مریم مادر عیسی، خاله عیسی، مریم زن کلویا، مریم مجدلیه، جوآنا همسر یوزا، سوسن، سالومه، مادر یعقوب و یوسف و مادر یعقوب و یوحنا^۴ زبیدی در میان این زنان بوده‌اند (متی، ۲۷: ۵۵-۵۶، مرقس، ۱۵: ۴۰-۴۱، لوقا، ۸: ۱-۳، یوحنا، ۱۹: ۲۵). نخستین مطلبی که از همراهی زنان با عیسی مسیح می‌توان دریافت، این است که آن‌ها برخلاف زمینه یهودی آن زمان عمل کردند و همراهی عیسی در سفرهایش، در تضاد با بافت یهودیت حاخامی بود. در آن جامعه، زنان امکان شنیدن

1. Kevin Giles
2. apostleship

۳. برای مثال، بنگرید به اول قرن‌تین، ۱۵: ۷.

کلام خدا در کنیسه‌ها را داشتند، اما به صورت رسمی و فراگیر شرایط آموزش حاخامی را نداشتند؛ مگر اینکه پدر، همسر یا حاخامی به طور شخصی به زنی آموزش می‌داد. از این رو، اینکه یک زن یهودی خانه‌اش را ترک کرده و به همراه یک حاخام سفر کند، نوعی رسوایی بود. در این گروه، زنی از اقشار مختلف جامعه وجود داشتند که این نیز بر خاص بودن آن گروه می‌افزود؛ مثلاً، ذکر می‌شود که جوانا همسر خوزا است که از درباریان هیروُدس بود. به این جهت، این زن که موقعیت اقتصادی و اجتماعی خوبی داشت، در کنار زنی که از ارواح پلید نجات یافته بود (درواقع شرایط اجتماعی مطلوبی نداشت) قرار گرفت. این دسته از زنان، نه تنها از قدرت شفابخشی روحانی و جسمانی عیسی بهره‌مند می‌شدند، بلکه نزد او نیز تعلیم می‌دیدند. بدین ترتیب، عیسی نگرش منفی موجود درباره طبیعت فرومایه و ناپاک زنان را تا حدی از بین برد. نکته حائز اهمیت آن است که این زنان به نقش سنتی خود هدفی جدید بخشیدند؛ بدان معنا که ایشان، همانند گذشته، به پذیرایی و فراهم کردن شرایط مساعد برای دیگران می‌پرداختند، اما با هدفی جدید از این گونه توانایی‌های خود بهره می‌بردند [ص ۱۱۷-۱۱۸].

اما فمینیست‌ها خود را با چالشی مواجه می‌دیدند که پیش‌تر نیز به آن پرداخته شد. بنابر گزارش اناجیل رسمی، عیسی پس از گذراندن یک شب در حال راز و نیاز با خدا، دوازده شاگرد مرد را به‌عنوان رسول انتخاب کرد (لوقا، ۶: ۱۲-۱۶). این موضوع به‌شدت مورد بحث قرار گرفت و پاسخی که اغلب به آن داده می‌شود این است که ساختار اجتماعی مردسالار در آن جامعه موجب چنین انتخابی شده است. باید در این باره اشاره کرد که عیسی از شکستن آداب و رسوم جامعه ایابی نداشت. او به‌راحتی در روز شنبه به فعالیت می‌پرداخت یا با زنی سامری صحبت می‌کرد. همچنین، در کتاب مقدس عبری از زنی دارای توان رهبری مانند دבורا یاد شده است که می‌تواند پیشینه یهودی مناسبی برای ارتقای جایگاه زنان تلقی شود. اما در نهایت، فرهنگ مردسالارانه غالب در زمان عیسی نمی‌توانست وجود زنی را به‌عنوان رهبر بپذیرد. از این رو، عیسی رسولان خود را از میان شاگردان مرد برگزید [ص ۹، ص ۱۱۱].

زنان شاهد عروج؛ مواجهه با امر قدسی و عهده‌دار شدن مأموریت

بنابر گزارش‌های اناجیل، این زنان مشاهده کردند که جسد عیسی در مقبره قرار گرفت و سپس در تهیه مواد لازم برای آماده کردن جسد عیسی جهت قرار دادن در مقبره نیز همکاری داشته‌اند؛ اما چون روز شنبه فرا رسید و در آن روز نباید کاری کرد، آماده کردن جسد به روز یک‌شنبه موکول شد (لوقا، ۲۳: ۵۵-۵۶. مرقس، ۱۵: ۴۷).

هرچند هر چهار انجیل رسمی واقعه عروج را به تصویر کشیده‌اند، اندک تفاوتی میان روایت‌های ایشان وجود دارد. نخست در انجیل متی بیان می‌شود که زنان دیگر به آرامگاه رفتند

و پس از زمین‌لرزه شدیدی فرشته خدا، که بسیار درخشان بود، به زمین آمد و سنگ آرامگاه را به کناری گذاشت و بر آن نشست. فرشته به زنان آرامش داد و آن‌ها را مطمئن کرد عیسی، همان‌گونه که گفته بود، زنده است. بنابراین، زنان ترسان، ولی خوشحال، برای اعلام خبر نزد دیگران رفتند. در همان حال که با سرعت می‌رفتند، ناگهان عیسی را مقابل خود دیدند و زمانی که عیسی به آن‌ها سلام داد، زنان به پای او افتادند. عیسی ایشان را آرام کرد و به آن‌ها این مأموریت را داد که به شاگردان بگویند به سرعت به سمت جلیل بروند تا عیسی را در آنجا ببینند (متی، ۲۸: ۱-۱۰). براساس *انجیل مرقس*، روز یک‌شنبه که زنان برای معطر کردن جسد به سمت آرامگاه می‌رفتند، در مسیر خود درباره اینکه چگونه سنگ آرامگاه را جابه‌جا کنند صحبت می‌کردند. اما هنگامی که به آرامگاه رسیدند، دریافتند در باز است و سنگ به کناری گذاشته شده است. آن‌ها به داخل رفتند و با دیدن فرشته‌ای با لباس سفید در سمت راست قبر نشستند و به خود لرزیدند. اما فرشته به آن‌ها گفت که نگران نباشند، زیرا عیسی همان‌طور که گفته بود زنده است و ایشان می‌بایست خبر را به رسولان برسانند. زنان که بسیار ترسیده بودند، به سرعت از آنجا خارج شدند و نتوانستند با کسی سخن بگویند (مرقس، ۱۶: ۱-۸). *لوقا* نیز لحظه مواجهه این زنان با واقعه عروج را بسیار جالب به تصویر کشیده است؛ آن‌ها هنگامی که دریافتند جسد عیسی در مقبره‌اش نیست، حیرت کردند و سپس با دیدن دو مرد که لباس‌هایی درخشان و خیره‌کننده بر تن داشتند بسیار ترسیدند. اما فرشتگان به ایشان احترام گذاشتند و آن‌ها را از زنده‌بودن عیسی باخبر کردند. از این رو، این گروه از زنان خبر عروج را به رسولان مرد رساندند (*لوقا*، ۲۴: ۱-۱۱).

در اناجیل رسمی، زنان به‌عنوان نخستین پیروانی که امکان مشاهده عروج عیسی مسیح را داشته‌اند معرفی می‌شوند. ذکر این نکته اهمیت دارد که در این اناجیل، از زنان با اسمشان یاد می‌شود که گواهی بر تأکید بر جایگاه زنان در این اتفاق بسیار مهم است. اینکه زنان به‌عنوان شاهدان عروج عیسی تلقی می‌شوند، نشان از آن دارد که از دیدگاه نویسندگان اناجیل، زنان دارای ایمان و بصیرت کافی هستند. در هر سه *انجیل* هم‌نوا، فرشتگان به زنان یادآور می‌شوند عیسی همان‌گونه که گفته بود زنده است و آنان نباید در میان مردگان دنبال او بگردند. این تذکر به این معناست که زنان به یاد بیاورند از شاگردان عیسی هستند و باید به آموزه‌های او توجه کنند. بنابراین، با زنان نه به‌عنوان فرستادگان رسولان، بلکه همچون خود رسولان رفتار می‌شود که شایسته مکاشفه الهی و برخورد با امر قدسی هستند [۲۰، ص ۲۰۲-۲۰۳].

بالاتر از همه اینکه، در *انجیل متی* عیسی برای اولین بار پس از عروجش بر زنان ظاهر می‌شود که این موضوع بسیار بااهمیتی به لحاظ فمینیستی است و به زنان مؤمن نشان می‌دهد که بین زن و مرد باایمان برای عیسی مسیح تفاوتی وجود ندارد. به نظر می‌رسد که ایمان این زنان حتی به نحوی قوی‌تر از مردان است، زیرا عیسی پس از عروج بر رسولان ظاهر شده و

آن‌ها پس از لمس او بر شک و تردیدشان غلبه می‌کنند (متی، ۲۸: ۱۷؛ لوقا، ۲۴: ۳۶-۴۳). شاید بتوان با توجه به چنین مواردی این نتیجه را گرفت که برخی جامعه‌شناسان دین ارائه داده‌اند؛ زنان همواره کشتی بیشتری به احوال و امور دینی نسبت به مردان داشته‌اند و دین‌داری خود را به نحوی متفاوت از مردان ابراز می‌کرده‌اند [۱، ص ۱۳۰].

موضوع مهم دیگر درباره جایگاه زنان در این واقعه آن است که براساس گزارش اناجیل، فرشتگان یا خود عیسی، به زنان مأموریت می‌دهند رسولان را از این واقعه مهم و زنده بودن عیسی مطلع کنند. در این روایات، یک نکته فمینیستی بسیار مهم را می‌توان یافت که در وهله نخست نوعی وارونه‌سازی نقش زن و مرد است، زیرا شهادت زنان دارای اعتبار کافی تلقی می‌شود. سپس با نشان دادن برخورد رسولان، که دربردارنده نوعی احساس شک و تردید به گفتار زنان است، بر این موضوع تأکید دارد که گرچه رسولان مانند این زنان باید طبق آموزه مسیح به زنده بودن او ایمان می‌داشتند، طبق فرهنگ رایج آن زمان، نمی‌توانستند به‌سادگی گواهی زنان را بپذیرند [۲۰، ص ۲۰۲-۲۰۳]. باین‌حال، از نگاه نویسندگان اناجیل، زنان همچون رسولان مرد عهده‌دار مسئولیت مهمی از جانب عیسی می‌شوند و این موضوع نشان می‌دهد که زنان در امور دینی همچون مردان توانایی بالایی به لحاظ روحانی دارند و می‌توان به ایشان اعتماد داشت.

مریم اهل بیت عنیا

یکی از زنان مهمی که در طول رسالت عیسی او را همراهی می‌کرد، مریم اهل بیت عنیاست که در دو انجیل لوقا و یوحنا داستانی از او نقل شده است. معمولاً مریم به همراه خواهرش، مارتا، در این روایات حضور دارند و داستان آن‌ها در تاریخ تفکر مسیحی، به‌ویژه عرفان، تأثیر بسیاری نهاده است. باین‌حال، می‌توان ادعا کرد که نقش مریم در متن مقدس به نوعی برجسته‌تر از خواهرش بیان شده است. از این‌رو، شخصیت پراهمیت مریم، از جوانب گوناگون توجه پژوهش‌گران، به‌ویژه فمینیست‌ها، را به خود جلب کرده است که در این بخش مورد بحث قرار خواهد گرفت.

مریم، زنی اهل نظر

دیدگاه عیسی درباره فعالیت‌های عملی و نظری زنان، در داستان جالب توجه مریم و مارتا مشخص می‌شود که در انجیل لوقا بیان شده است. این ماجرا به قدری اهمیت دارد که در طول تاریخ مسیحیت متفکران بزرگی مانند آگوستین^۱، آکوئیناس^۲ و اکهارت^۱ درباره آن نظر داده‌اند؛

1. Augustine
2. Aquinas

به طوری که مناقشاتی درباب برتری عمل یا نظر (فارغ از جنسیت) شکل گرفت و در جامعه دینی مسیحی بسیار تأثیرگذار بوده است. براساس این روایت، روزی عیسی و همراهانش در راه خود به اورشلیم به دهی می‌رسند که زنی به نام مارتا آن‌ها را به خانه خود دعوت می‌کند. هنگامی که ایشان به خانه می‌روند، مریم، خواهر مارتا، با خیالی آسوده پای سخنان عیسی می‌نشیند. درحالی که مارتا به زحمت فراوانی برای پذیرایی از مهمان‌ها افتاده بود. از این رو، مارتا نزد عیسی شکایت کرد و از او خواست تا مریم را به کمک کردن او فراخواند. اما عیسی او را به آرامش دعوت می‌کند و می‌گوید که فقط یک چیز اهمیت دارد و مریم همان را انتخاب کرده و او نمی‌خواهد که مریم را از آن فیض محروم کند (لوقا، ۱۰: ۴۲-۳۸).

مریم و مارتا هر یک یکی از ویژگی‌های اساسی یک رسول را بیان می‌کنند. نخست، مارتا عیسی را به خانه خود دعوت کرد. ممکن است در ابتدا به نظر برسد که مارتا صرفاً زنی مهمان‌نواز است. اما او این عمل را از سر اخلاص و ایمان و برای شنیدن بشارت عیسی انجام داد. حتی می‌توان گفت مارتا در اندیشه نجات بوده است و برای کسب آموزش، به عیسی خدمت می‌کند. سپس، در این داستان به شخصیت مریم پرداخته می‌شود که در کنار دیگر شاگردان به سخنان عیسی گوش فرا می‌دهد. نکته جالب توجه آن است که موقعیت مریم این‌گونه به تصویر کشیده می‌شود که او (همچون زن گناه‌کاری که بعداً مورد بحث قرار می‌گیرد) در کنار پای عیسی قرار دارد؛ گویی یک مرید واقعی باید چنین در پای استاد خود بیفتد تا ارزش و منزلت والای استاد در کنار کوچکی شاگردش مشخص شود [۱۸، ص ۲۴-۲۵]. بنابراین، مارتا به صورت عملی و مریم به صورت نظری از عیسی کسب آموزش و معرفت می‌کنند.

این داستان را در دو مرحله باید بررسی کرد. نخست، با توجه به این روایت، عیسی به وضوح زنان را به‌عنوان شاگرد خود می‌پذیرد. عیسی نه تنها زنان را از همراهی با خود و حضور در میان رسولان منع نمی‌کند، بلکه آن‌ها را به پیروی از خود با ایفای نقشی پویا فرامی‌خواند. همچنین، او پس از شنیدن گله مارتا درباره اینکه به تنهایی مشغول پذیرایی است، این نکته را یادآوری می‌کند که در مقام شاگردی، توجه به آموزه‌های نظری نیز اهمیت دارد. با توجه به اینکه بنا به نظر ویتترینگتون زنان در آن جامعه عموماً تنها نقش خانه‌داری را برعهده داشتند [۱۹، ص ۱۱۷-۱۱۸] این اقدام عیسی تحولی در نگرش به وظایف زنان ایجاد کرد.

با این حال، این روایت از جنبه‌ای دیگر دارای اهمیت بسیار زیادی است. در این داستان مریم نماد شخصی است که به مرتبه نظری توجه دارد و مارتا نماد فردی است که به حوزه عملی می‌پردازد. متفکران مسیحی از دیرباز تلاش کرده‌اند با توجه به این روایت، دیدگاه عیسی را راجع به عمل و نظر بدانند. در ابتدا این‌گونه به نظر می‌رسد که عیسی نظر را بر عمل ترجیح می‌دهد،

زیرا بیان می‌کند مریم بهترین سهم را برگزیده است. اما، برخی از متفکران نظیر آگوستین، نظر و عمل را به یک اندازه در حیات ایمانی ضروری می‌دانند. او بر این باور است که هر دو خواهر که در یک خانه زندگی می‌کردند، در پذیرایی از عیسی باهم متحد، همکار و مکمل بوده‌اند. اکهارت نیز به نوعی دیالکتیک میان عمل و نظر اعتقاد داشت که در آن فرد با از بین بردن هر دو گانگی‌ای اراده و عملش را اراده و عمل خدا می‌داند؛ پس چه در نظر و چه در عمل فرد با خدا دارای وحدت است. اما در میان همه متفکران، دیدگاه پراگماتیستی را می‌توان در نظر زوله^۱ یافت. او بر این باور است که با توجه به این روایت، هر انسانی را باید عارف دانست، زیرا براساس گفته عیسی هر کس باید به خواسته‌ای که دارد بپردازد [۲، ص ۸۲-۹۳]. بنابراین، مریم و مارتا الگویی برای همه مؤمنان، و نه فقط زنان، فراهم آوردند و از این رو می‌توان اهمیت و تأثیرگذاری جایگاه زنان را در حوزه عمل و نظر ملاحظه کرد. زنان بسیاری به تاسی از این دو خواهر در این دو حوزه به فعالیت پرداختند و نام خود را در تاریخ مسیحیت ماندگار کردند.

مریم، زنی اهل چالش در ایمان

مارتا و مریم برادری به نام ایلعازر داشتند که در نبود عیسی سخت بیمار شد. ایشان عیسی را از این موضوع باخبر کردند، اما او برای بازگشت عجله نکرد، زیرا می‌دانست که با اتفاقی که خواهد افتاد، جلال خدا بر همگان نمایان می‌شود. پس از دو روز، عیسی با وجود اینکه رسولان به او درباره خطر بازگشت هشدار داده بودند، به آن شهر برگشت. هنگامی که آن‌ها رسیدند، ایلعازر مرده و چهار روز پیش به خاک سپرده شده بود و سران قوم یهود برای تسلیت به آنجا آمده بودند. ابتدا، مارتا با شنیدن خبر بازگشت عیسی به پیشواز او می‌شتابد و با اقرار ایمانش به او، از عیسی می‌خواهد برادرش را زنده کند. هنگامی که عیسی و مارتا به خانه برگشتند، مریم با بیتابی به نزد عیسی رفت و عیسی از این موضوع عمیقاً متأثر شد. سپس، به همراه دیگران به سمت محل دفن ایلعازر رفت و به دیگران گفت که سنگ را کنار بزنند. نخست مرتا تردید کرد و گفت که اکنون جسد متعفن است. اما عیسی از او خواست که ایمان خود را حفظ کند و پس از دعا به درگاه خداوند، ایلعازر را فراخواند. در مقابل چشم همگان، ایلعازر، که در کفن پوشیده شده بود، از قبر بیرون آمد. پس هر آن کس که شاهد این واقعه بود، به عیسی ایمان آورد (یوحنا، ۱۱: ۴۶-۱).

هر دو خواهر که در داستان نقش فعالی دارند، در ابتدا واکنشی متفاوت از خود نشان می‌دهند. مارتا، برخلاف مریم، فوری به دیدن عیسی می‌شتابد و با او به گرمی سخن می‌گوید. مارتا ایمان خود را بی‌هیچ تردیدی ابراز و اقرار می‌کند که اگر عیسی آنجا بود، برادرش را شفا می‌داد. همچنین، او باور داشت که به واسطه ایمان به عیسی است که مردگان در روز قیامت

زنده می‌شوند. لکن عیسی به او این وعده را می‌دهد که برادرش را نه در روز قیامت، بلکه اکنون زنده سازد و مارتا نیز به دلیل ایمان قوی خود اعتماد می‌کند [۱۵، ص ۴۷۳-۴۷۹]. برخلاف مارتا، مریم ابتدا به دیدار عیسی نرفت، گویا با توجه به تعالیمی که از عیسی آموخته بود، می‌دانست عیسی خود دست به اقدام می‌زند و از محبت عیسی به پیروانش باخبر بود. باین‌حال، هنگامی که خواهرش به او گفت عیسی می‌خواهد او را ببیند، به ندای عیسی پاسخ گفت و با ابراز احساساتش، تأثر عیسی را برانگیخت. در این روایت، نه تنها عواطف بشردوستانه عیسی کاملاً نمایان است، بلکه بیان می‌شود که او به خوبی می‌تواند غم یک زن را درک کند. مریم در این داستان نماد زنی است که به دلیل رنج کشیدن ایمانش به چالش کشیده شده است، اما احساسات ایمانی قوی او، که می‌تواند ریشه‌گرفته از زنانگی او باشد، موجب می‌شود که فوراً به عیسی بازگردد.

مریم و یهودا، ایمان زنانه در مقابل ایمان مردانه

پس از ماجرای زنده شدن ایلعازر، در شی که به افتخار عیسی در دهکده ضیافتی ترتیب داده شده بود و مارتا در حال پذیرایی بود، مریم با شیشه عطری گران‌قیمت وارد شد و بر پاهای عیسی ریخت و با موهای سر خود آن‌ها را خشک کرد. در همین زمان که خانه از آن عطر پر شده بود، یهودا اعتراض کرد و گفت که آن‌ها می‌توانستند آن عطر را بفروشند و پولش را به فقرا بدهند. یوحنا به‌عنوان روایت‌گر این داستان، نیت پلید یهودا را توضیح می‌دهد؛ یهودا با اینکه مسئول نگهداری پول‌هاست، اما در امانت خیانت می‌کند و از پول‌ها می‌دزدد. عیسی نیز در جواب می‌گوید که مریم در واقع بدن او را برای دفن آماده کرده است (یوحنا، ۱۲: ۸-۱).

نخست، پیش از پرداختن به هر مطلب دیگری باید یادآور شد که مریم آن زن گناه‌کار در *انجیل* به روایت لوقا که پاهای عیسی را با عطر گران‌بهایش شست و با موهایش خشک کرد نیست. دلیل اینکه غالباً مریم را با آن زن اشتباه می‌گیرند، آن است که روایت مشابهی در *انجیل متی* وجود دارد که در آن گفته می‌شود چند روز پیش از عید پسح^۱ عیسی به خانه شخصی به نام شمعون می‌رود. در آنجا زنی می‌آید و عطری گران‌بها را بر سر عیسی می‌ریزد. شاگردان اعتراض می‌کنند که با پول آن عطر می‌توانستند به فقرا کمک کنند. اما عیسی، ضمن قدردانی از خدمتی که زن به او کرد، می‌گوید که او با این کار بدن عیسی را برای دفن آماده کرده است (متی، ۲۶: ۱۳-۶). همان‌طور که قابل ملاحظه است، به دلیل آنکه این واقعه در خانه شخصی به نام شمعون اتفاق افتاده است و مشابه با ماجرای زن گناه‌کار در خانه فریسی‌ای به نام شمعون است، به‌اشتباه مریم را همان زن گناه‌کار می‌دانند. درحالی‌که این موضوع باید مورد

۱. روزی که یهودیان، خروج بنی‌اسرائیل از مصر و آزادی از قید بندگی را در آن گرامی می‌دارند.

بررسی قرار گیرد. نخست، مریم هیچ‌گاه به‌عنوان یک گناه‌کار توصیف نشده است. ضمناً، شرایطی که در دو روایت توصیف شده، به لحاظ زمانی یکسان نیست. در روایت متی و یوحنا اشاره می‌شود که قبل از عید پسخ است؛ در حالی که این موضوع در روایت لوقا از زن گناه‌کار مطرح نیست. نکته مهم‌تر آنکه در روایت متی و یوحنا گفت‌وگوی شاگردان و عیسی به لحاظ محتوایی یکسان است، ولی در روایت لوقا از زن گناه‌کار گفت‌وگو پیرامون مطلبی دیگر است. بنابراین، گرچه عمل انجام‌گرفته و نام میزبان یکی است، نمی‌توان مریم را همان زن گناه‌کار روایت لوقا دانست.

این روایت می‌تواند ارزش فراوانی برای پژوهش‌گران فمینیست داشته باشد. یوحنا به‌عنوان راوی، دو شخصیت نزدیک به عیسی مسیح را در مقابل هم قرار می‌دهد و ایمان آن‌ها را باهم می‌سنجد. مریم، یک زن است که نه‌تنها دارای ارزشمند خود را به پای عیسی می‌ریزد، بلکه با عمل خشک‌کردن پاهای عیسی با موهایش، عشق و اشتیاق قلبی خود را عملاً نشان می‌دهد. در حالی که یوحنا تأکید می‌کند یهودا خیانت‌کار است. او نه‌تنها چیزی از خود نمی‌بخشد، بلکه می‌دزد! آنچه به‌خوبی در نگرش یوحنا نمایان است، برتری ایمان یک زن به نسبت یک مرد است. زنان توانایی درک معنویت، بصیرت بالا و رشد و تعالی شخصیت را همچون مردان دارند و حتی می‌توانند از آن‌ها پیشی بگیرند.

همچنین، در *انجیل لوقا* بیان شده بود که مریم پیش پای عیسی به تعالیم او گوش فرا می‌داده است. پس به نظر می‌رسد که عیسی او را دارای آمادگی روحانی برای فهم واقعه پیش رو می‌داند. آن‌گونه که یوحنا مریم را با عمل خدمت‌کردن به عیسی به تصویر کشیده است و پاسخی که عیسی برای پذیرفتن عمل او می‌دهد، گویی او را در شمار رسولان به شمار آورده است. رابطه میان عیسی و مریم، به‌عنوان یک زن رسول، رابطه‌ای صمیمانه و پر از محبت است و این ارتباطی است که میان عیسی و یهودا وجود نداشت. برخلاف یهودا، که حقیقت را درباره عیسی مسیح نفهمید و حتی برای از بین بردن او چون دشمنی تلاش کرد، مریم یار حقیقی عیسی است. این امر را می‌توان زمانی بهتر دانست که مریم پیش از آنکه عیسی به رسولان خود تعلیم دهد پای یکدیگر را بشویند، مریم پای استاد خود را با عطر گران‌قیمت شست‌وشو داد [۷، ص ۱۶۷].

مریم مجدلیه

هر چهار *انجیل* رسمی، مریم مجدلیه را در شمار زنانی که به عیسی ایمان آورده و از یاران اوست معرفی می‌کنند. نقش این زن به حدی در تاریخ اولیه شکل‌گیری مسیحیت مهم است که در برخی متون آپوکریفا، بر رابطه معنوی و نزدیک عیسی و مریم تأکید شده است. در این بخش، تلاش می‌شود چهره مریم براساس گزارش‌های چهار *انجیل* عهد جدید مطالعه شود. از

آنجا که چهرهٔ مریم مجدلیه بیش از مریم اهل بیت‌عنیا با آن زن گناه‌کار آمیخته شده، برای تفکیک این دو شخصیت لازم است که در بخشی جداگانه بررسی دقیق انجام شود. سپس، به دلیل آنکه مریم مجدلیه در مراحل بسیار حساسی حضور داشته است، به بحث دربارهٔ جوانب ایمان وفادارانهٔ او، که توجه فمینیست‌ها را به خود جلب کرده است، پرداخته خواهد شد.

مریم مجدلیه، گناه‌کار یا بی‌گناه

در طول تاریخ، باوری شکل گرفته است که مریم مجدلیه همان زن گناه‌کار خانهٔ شمعون در *انجیل لوقا* است. حتی پژوهش‌گران برای اثبات این مسئله دلایل مختلفی آورده‌اند؛ مثلاً، گرنویل کنت^۱ گفته است که *لوقا* برای حفظ شأن، آبرو و حریم مریم مجدلیه، زن گناه‌کار را به نام او معرفی نکرده است. از سوی دیگر، به دلیل آنکه براساس روایت *یوحنا* مریم اهل بیت‌عنیا همانند زن گناه‌کار در *انجیل لوقا* پاهای عیسی را با عطری گران‌بها شست‌وشو داد و با موهای سرش خشک کرد، گروهی که مریم مجدلیه را زن گناه‌کار می‌دانند، دو مریم را نیز یکی می‌انگارند [۱۳، ص ۳۸].

دلیل اصلی تلقی مریم مجدلیه به‌عنوان زن گناه‌کار آن است که در *انجیل لوقا*، دقیقاً پس از بیان داستان زن گناه‌کار، راوی مریم مجدلیه را یکی از همراهان عیسی مسیح معرفی می‌کند که عیسی او را از هفت روح پلید نجات داده است. این امر در ذهن مخاطب نوعی هماهنگی ایجاد می‌کند که این دو نفر یکی هستند. اما این دلیل به اندازهٔ کافی محکم نیست. همان‌طور که در فصل قبل ملاحظه شد، داستان زنان بسیاری در *اناجیل* آمده است؛ بدون آنکه نامشان ذکر شود. همچنین، براساس روایات *اناجیل*، عیسی افراد زیادی را با خارج کردن ارواح پلید از آن‌ها درمان می‌کرد و این دلیلی بر گناه‌کار بودن آن‌ها نیست، آن‌ها فقط دچار امراض روحی و جسمی شده بودند. می‌توان گفت که هیچ‌گونه شواهدی وجود ندارد که مریم مجدلیه همان زن گناه‌کار باشد. همچنین، همان‌طور که گفته شد، مریم اهل بیت‌عنیا نیز آن زن گناه‌کار نیست، پس چنین می‌نماید که این سه زن، سه شخصیت مجزا از هم هستند.

اما دلیل این همه اصرار برای گناه‌کار جلوه دادن مریم مجدلیه چه بوده است؟ چرا در طول تاریخ مسیحیت مریم مجدلیه را این‌گونه به تصویر کشیده‌اند؟ به نظر می‌رسد که آنچه موجب این برداشت از مریم مجدلیه می‌شده است، سلطهٔ نگرش مردسالارانه بر تفاسیر مطرح‌شده از کتاب مقدس باشد. فمینیست‌ها در برخورد با این موضوع پیشنهاد داده‌اند که متولیان دین در آن فرهنگ مردسالارانه برای فروکاستن جایگاه مریم مجدلیه، به‌ویژه با نظر به اهمیت او در واقعهٔ رستاخیز، چنین تفسیری را ارائه داده‌اند. از سوی دیگر، به نظر برخی پژوهش‌گران مرد، مریم مجدلیه از بسیاری از صحنه‌های مهم حضور رسولان در روایات عهد جدید غایب است و

1. Grenville Kent

این گواهی بر کم‌اهمیت بودن نقش او در نظر گرفته می‌شود [۱۳، ص ۴۰]. عمدی یا غیرعمدی بودن این جریان مردسالارانه مشخص نیست، اما آنچه مشخص است، جایگاه فوق‌العاده مهم مریم مجدلیه در ارتباط با موضوع عروج است که بعداً به آن پرداخته خواهد شد.

مریم مجدلیه، همراه وفادار عیسی

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، چندین زن عیسی را در سفرهایش همراهی می‌کرده‌اند که مریم مجدلیه نیز در کنار آن‌ها به فعالیت مشغول بوده است. به نظر می‌رسد که او همسری نداشته است، زیرا اناجیل در این باره سکوت کرده‌اند. از آنجا که معمولاً راویان چهار/انجیل زنان را در ارتباط با بستگان مردشان یاد می‌کرده‌اند، این موضوع که نام مریم مجدلیه همیشه به‌تنهایی (نه در مقام همسری و نه در مقام مادری) آمده است نشان می‌دهد که به احتمال زیاد او مجرد بوده است [۶، ص ۱۱۸]. نخستین حضور مریم را می‌توان در *انجیل لوقا* یافت. در این روایت، گفته می‌شود که مریم توسط عیسی مسیح از هفت روح پلید رهایی یافت و در کنار چند زن دیگر در طول سفرهای عیسی به او خدمت می‌کرد (لوقا، ۸: ۱-۳). بنابراین، مریم یکی از رسولان زن به شمار می‌آید.

اما آنچه مریم مجدلیه را از دیگر زنان رسول در این روایات متمایز می‌کند، همراهی وفادارانه اوست که در سخت‌ترین شرایط عیسی را رها نکرد. صحنه بعدی که هر چهار *انجیل* مریم را در آن به تصویر کشیده‌اند، تصلیب عیسی مسیح است. در *انجیل متی* آمده است که مریم در کار زنانی که از جلیل آمده بودند، نظاره‌گر اتفاقات عجیبی مانند زمین‌لرزه بود که با مصلوب شدن عیسی پدیدار شد. در همین باب نیز آمده است که مریم مجدلیه و آن مریم دیگر شاهد قرار دادن جسد عیسی در مقبره بودند (متی، ۲۷: ۵۶-۵۵ و ۶۱). در *انجیل مرقس* نیز مریم را جزو زنانی به شمار آورده است که شاهد وقایع هنگام جان سپردن عیسی مسیح و تدفین او بوده است (مرقس، ۱۵: ۴۰-۴۷). در *انجیل یوحنا* نیز از مریم مجدلیه در میان زنان حاضر در پای صلیب صحبت شده است (یوحنا، ۱۹: ۲۵). در این اناجیل، زنانی که در صحنه تصلیب حضور داشتند با اندکی تفاوت نام برده شده‌اند، اما نام مریم مجدلیه در سه *انجیل* به صورت یکسان آمده است و این گواهی بر تأکید راویان اناجیل بر برجسته بودن جایگاه این زن در میان دیگر زنان است.

به نظر می‌رسد که مریم مجدلیه پس از آنکه به دست عیسی از هفت روح پلید رها شد، به یاری نزدیک برای عیسی تبدیل شد. وفاداری خاص او را هنگامی می‌توان ملاحظه کرد که در زمان غیاب دیگر رسولان مرد، او حضوری پررنگ در لحظات تصلیب، که عیسی در حال جان سپردن بود، داشته است و بنابر روایات اناجیل، تا هنگام تدفین عیسی او را ترک نکرد [۸، ص ۱۷۱]. این وفاداری و صمیمیت ناشی از ایمان و علاقه باطنی مریم مجدلیه به عیسی مسیح بوده است که بسیاری از مردان در ارتباط با عیسی نیز از آن بی‌بهره بودند.

مریم مجدلیه، شاهد اصلی عروج

بسیار جالب توجه است که براساس اناجیل، مریم مجدلیه شاهد اصلی عروج عیسی مسیح دانسته می‌شود. برای بررسی این موضوع، نخست به اسامی زنانی که در هر انجیل به‌عنوان شاهد عروج معرفی شده‌اند باید نگاهی انداخته شود. در انجیل متی، مریم مجدلیه و مریم دیگر زنانی هستند که فرشته به آن‌ها خبر عروج عیسی را می‌دهد و خودشان به‌عنوان نخستین افراد با عیسی ملاقات می‌کنند (متی، ۲۸: ۱-۱۰). بنابراین انجیل مرقس زنانی که در این صحنه حضور دارند، مریم مجدلیه، سالومه و مریم مادر یعقوب هستند. اما این زنان پس ملاقات با فرشته می‌ترسند و نمی‌توانند با کسی صحبت کنند و مژده زنده شدن عیسی را بدهند. درحالی‌که روز یک‌شنبه، مریم مجدلیه اولین شخصی بود که عیسی را دید و این خبر را به دیگران داد (مرقس، ۱۶: ۱-۱۱). لوقا در انجیل خود چند زن را شاهد این واقعه می‌داند که در میان آن‌ها از مریم مجدلیه، یونا، مریم مادر یعقوب نام می‌برد (لوقا، ۲۴: ۱-۱۱). همان‌طور که در این سه انجیل قابل ملاحظه است، مریم مجدلیه به صورت مؤکد نقش مهم‌تری از نگاه نویسندگان داشته است؛ نخست آنکه نام مریم مجدلیه در هر سه انجیل اولین نامی است که آورده می‌شود. دوم آنکه همیشه به صورت کامل از او یاد کرده‌اند؛ به‌نحوی که تمایز او را از دیگر مریم‌ها مشخص کنند. سومین نکته آن است که مریم در انجیل مرقس اولین و تنها زنی است که عیسی را به صورت جسمانی ملاقات می‌کند.

در انجیل یوحنا، روایت خاص و متفاوتی از این صحنه بیان می‌شود. براساس این روایت، برخلاف سایر اناجیل، مریم مجدلیه تنها زن شاهد عروج است. او در روز یک‌شنبه متوجه می‌شود که سنگ از در قبر کنار رفته است و جسد آنجا نیست. او این خبر را به دیگران می‌دهد و پطرس به همراه دو شاگرد دیگر پس از بررسی قبر، محل را ترک می‌کنند. صحنه مواجهه مریم با عیسی مسیح به نحو زیبا و تأثیرگذاری در این انجیل به تصویر کشیده شده است:

ناگاه مریم احساس کرد کسی پشت سر او ایستاده است. برگشت و نگاه کرد. عیسی خودش بود، ولی مریم او را نشناخت. عیسی از مریم پرسید: «چرا گریه می‌کنی؟ دنبال چه کسی می‌گردی؟» مریم به گمان اینکه باغبان است، به او گفت: «آقا، اگر تو او را برده‌ای، بگو کجا گذاشته‌ای تا بروم او را بردارم.» عیسی گفت: «مریم.» مریم برگشت و عیسی را شناخت و با شادی فریاد زد: «استاد.» عیسی فرمود: «به من دست زن، چون هنوز نزد پدرم بالا نرفته‌ام. ولی برو و برادرانم را پیدا کن و به ایشان بگو که من نزد پدر خود و پدر شما و خدای خود و خدای شما بالا می‌روم» (یوحنا، ۲۰: ۱-۱۷).

بنابراین، انجیلی که به یوحنا نسبت داده شده است، رابطه مریم مجدلیه و عیسی را همچون یک استاد و شاگرد صمیمی نشان می‌دهد. ردولف بولتمان اشاره جالب توجهی به این حقیقت دارد که مریم زمانی عیسی را می‌شناسد که عیسی او را با نام صدا می‌زند. این موضوع یادآور بخش دیگری از انجیل یوحنا است که می‌گوید: «شبانان گوسفندان خود را صدا می‌زنند

و آن‌ها نزد چوپان خود می‌روند» (یوحنا، ۱۰: ۳). مریم نیز از آنجا که دارای ایمانی فوق‌العاده قوی است، این‌گونه در نظر گرفته می‌شود. یک نکته مهم دیگر درباره مریم مجدلیه در این *انجیل* آن است که برخلاف *اناجیل* دیگر، در روایت *یوحنا* بر گفت‌وگوی عیسی و مریم تأکید شده است تا مخاطب به اهمیت گفتار عیسی درباره وقوع عروج پی ببرد. این واقعیت که در چهار *انجیل* از مریم مجدلیه نام برده می‌شود، نشان می‌دهد که جایگاه مریم نزد کلیسای اولیه مهم بوده است و آن‌ها سعی کرده بودند که او را به‌عنوان شاهد اصلی معرفی کنند. این امر در *انجیل یوحنا* به اوج خود می‌رسد [۱۶، ص ۳۶۴-۳۶۵].

نتیجه

براساس اسناد و شواهد موجود، جایگاه زنان در زمان حیات عیسی در جامعه برجسته نبوده است. با این حال، عیسی همچون اصلاح‌گری اجتماعی، برخوردی متفاوت را با زنان در پیش گرفت. او نه تنها به صورت کلی با زنان بسیار با ملاحظه و دوستانه عمل می‌کرده است، بلکه در کنار مردان، زنانی را نیز با خود همراه ساخته بود و این عمل او کاملاً مخالف عرف اجتماعی آن روزگار تلقی می‌شد. این همراهی به صورت‌های گوناگون معنوی، نظری و عملی در حضور جدی زنان جلوه‌گر می‌شد. گویی این زنان سعی در احیای جایگاه خود در جامعه دینی داشته و بدین‌گونه با حمایت عیسی در این عرصه پیشگام شده‌اند. با این حال، به نظر می‌رسد که نویسندگان *اناجیل* نیز تحت تأثیر نگرش غالب مردسالارانه، حتی شاید به‌رغم میل باطنی خود و به دلیل معذوریت اجتماعی، از بازنمایی برخورد مثبت عیسی با زنان تا حد امکان خودداری می‌کردند. قراردادن زنان در گروه رسولان و اشاره گذرا به فعالیت‌ها و حضور آن‌ها، بازتابی از شرایط اجتماعی موجود در آن زمان و سلطه نگرش مردسالارانه است. با این همه، برای متفکران فمینیست این امکان فراهم است که با واکاوی متن به این نتیجه برسند که زنان همچون مردان، خدماتی ارائه داده و فعالیت‌هایی داشته‌اند که می‌توان ایشان را نیز در مقام رسولان به شمار آورد؛ مثلاً، مکاشفه الهی و برخورد با امر قدسی که زنان به هنگام واقعه عروج با آن مواجه شدند، گواهی بر ایمان و بصیرتی است که ایشان همچون مردان رسول از آن بهره‌مند بوده‌اند. از سوی دیگر، این زنان الگوی مناسبی را برای دیگر زنان مؤمن مسیحی که مشتاق فعالیت بیشتری در جامعه هستند فراهم می‌آورند. بدین‌گونه، زنان می‌توانند فارغ از نقشی که در خانواده برعهده دارند (مادرانه، همسرانه، خواهرانه و دخترانه) در عرصه‌های مختلف اجتماعی مشارکت فعالانه داشته باشند. فرصت حضور در محافل علمی و عهده‌دار شدن مقام بالای دینی از دستاوردهایی است که این نگرش برای زنان مؤمن فراهم می‌آورد. همچنین، زنان با توجه به چگونگی ایمان‌ورزیدن زنانی چون مریم اهل بیت‌عنیا و مریم مجدلیه درمی‌یابند که زنان دارای ایمانی وفادارانه و پویا هستند و از این‌رو می‌توانند در مراتب معنوی حتی بهتر از مردان رشد کنند.

منابع

- [۱] دیوی، گریس (۱۳۹۱). *جامعه‌شناسی دین: راهنمای دین‌پژوهی: آشنایی با ده رویکرد در مطالعه ادیان*، ترجمه محسن زندی و محمد حقانی فضل، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
- [۲] ردلر، شارلوت (۱۳۹۷). *عمل و نظر: درباره عرفان مسیحی*، ترجمه محمد صبائی، تهران: ققنوس.
- [۳] فورشت، اینگر؛ ریستاد، پل (۱۳۹۴). *درآمدی بر جامعه‌شناسی دین*، ترجمه مجید جعفریان، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
- [۴] کونگ، هانس (۱۳۸۹). *زن در مسیحیت*، ترجمه طیبه مقدم و حمید بخشنده، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
- [۵] مورگان، سو (۱۳۹۱). *رویکردهای فمینیستی: راهنمای دین‌پژوهی: آشنایی با ده رویکرد در مطالعه ادیان*، ترجمه محسن زندی و محمد حقانی فضل، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
- [6] Bauckham, Richard (2002). *Gospel Women: Studies of the Named Women in the Gospels*, Michigan: Grand Rapids.
- [7] Beirne, Margaret (2003). *Women and Men in the Fourth Gospel: A Genuine Displehship of Equals*, London: Sheffield Academic Press, 2003.
- [8] Bilezikian, Gilbert (2006). *Beyond sex roles: what the Bible says about a woman's place in church and family*, Michigan: Baker Academic.
- [9] Borland, James (1991). *Women in the Life and Teachings of Jesus*, SOR Faculty Publications and Presentations.
- [10] Giles, Kevin (1985). "Apostles before and after Paul", *Churchman*, Vol: 99, PP 241-256.
- [11] Kamitsuka, Margaret (2007). *Feminist Theology and the Challenge of Difference*, Oxford: Oxford University Press.
- [12] Manson, Thomas (1935). *Teaching of Jesus*, Cambridge: Cambridge University Press.
- [13] Merry, Lisa (2012). "Mary Magdalene: Saint Not Sinner", *Verbum*, Vol. 9, PP 35-43.
- [14] Merwe, Van der (1996). "A historical survey and critical evaluation concerning discipleship in the fourth gospel", *Verbum Et Ecclesia*.
- [15] Moloney, Francis (1994). "The Faith of Martha and Mary a Narrative Approach to John 11,17-40", *Biblica*, Vol. 75, PP 471-493.
- [16] O'Collins, Gerald, Kendall, Daniel (1987). "Mary Magdalene as Major Witness to Jesus' Resurrection", *Theological Studies*, Vol. 48, PP 631-646.
- [17] Payne, Philip (2015). *Man and Woman, One in Christ: An Exegetical and Theological Study of Paul's Letters*, Michigan: Zondervan.
- [18] Wall, Robert (1989). "Martha and Mary (Luke 10.38-42) in the Context of a Christian Deuteronomy", *Journal for the Study of the New Testament*, Vol. 11, PP 19-35.
- [19] Witherington, Ben (1984). *Women in the ministry of Jesus: a study of Jesus' attitudes to women and their roles as reflected in His earthly life*, Cambridge: Cambridge University Press.
- [20] Witherington, Ben (1990). *Women and the Genesis of Christianity*, Cambridge: Cambridge University Press.